

یادداشتی از مهرداد صدر نفیسی؛

کتاب فروشی های به اصطلاح باکلاس

به کتاب فروشی می رویم؛ اما کتاب نمی خوانیم. مدتها بود با مراجعه به کتاب فروشی های مختلف، به خصوص کتاب فروشی های لوکس، متوجه موضوعی بس تأسف برانگیز شدم.

به گزارش خبر، مهرداد صدر نفیسی در یادداشت ارسالی با موضوع "کتاب فروشی های به اصطلاح باکلاس" به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است؛ در سال های اخیر کتاب فروشی های زیادی به جمع کتاب فروشی های پیشین شهر اضافه شده است. خب این پدیده ایست میمون و خوشایند!

اما عمق فاجعه آنجاست که با کمی وقت گذراندن در این فروشگاه ها متوجه می شویم بر خلاف چیدمان شیک و فضای بسیار بزرگ برای عرضه ی کتاب، آهی در بساط این فروشگاه ها نیست.

شاید بهتر باشد به مکتب قدیمی خودمان رجوع کنیم و بنویسیم: فقط هیکل گنده کرده اند! چرا که با مراجعه به هر بخش از این کتابفروشی ها اعم از تاریخ، سیاست، جامعه شناسی و... با قفسه هایی مواجه می شویم که جز چند عنوان کلی از هر بخش، چیزی زیادی برای ارائه ندارند.

از همه این ها که بگذریم دردناک ترین بخش این موضوع آنجاست که متاسفانه اکثر شهروندانی که به این فروشگاه ها مراجعه می کنند ناکتابخوان هستند و فقط برای ژست روشنفکری و گرفتن عکس هایی همراه با نگه داشتن کتابی که حتی نام آن را نمی دانند؛ مراجعه می کنند.

به وفور افرادی را می بینید که حتی چند صفحه کتاب در طول عمر گوهربارشان نخوانده اند و فقط برای اینکه در محیطی به اصطلاح با کلاس و مدرن قدم بزنند؛ وارد این فضا شده اند.

از قضا چند روز پیش در یکی از این فروشگاه های به اصطلاح باکلاس بودم و متوجه شدم بیشتر افرادی که در این مکان حضور دارند، مسافرانی هستند که به احتمال زیاد برای وقت گذرانی وارد این فروشگاه شیک شده اند و یا حتی شاید به این دلیل که در مسیر این فروشگاه قرار گرفته اند؛ به ناچار در آنجا حضور داشتند.

شوربختانه وجود غرفه هایی برای فروش ظروف و یا وسایل تزئینی از هر نوع (شمع های تزئینی، المان های چوبی و فلزی، ماگ های طرح دار و...) باعث شده کتاب فروشی ها از اصالت خود، یعنی محفلی برای ارائه دانش و آگاهی، دور شوند و تنها حوالی این غرفه ها شاهد رونق باشیم.

یکی دیگر از معضلات مراجعه به چنین کتاب فروشی هایی عدم آگاهی افرادی است که در آنجا حضور دارند تا به من و شما در یافتن کتاب مدنظرمان کمک کنند. متاسفانه این افراد بر هیچ دسته بندی موضوعی کتاب و یا حتی هیچ عنوان کتابی تسلط ندارند و برای کوچکترین سوالات مراجعین باید به سیستم های جستجوی سریع مراجعه کنند.

البته که نمی توان کمک های شایان چنین سازو کارهای مدرنی را نادیده گرفت. در واقع انسان هزاره ی سوم در هر چه زودتر و دقیق تر به خواسته ی خود رسیدن مصمم تر از دیروز است؛ اما به نظر این حقیر استفاده از افراد کارآزموده و مسلط برای هر شغلی از ملزومات است.

به عنوان سخن آخر باید به این مهم توجه کرد که صد افسوس بهای خرید کتاب بسیار افزایش یافته و همچون اقلام دیگر لجام گسیخته شده است. شاید اگر قیمت نجومی برای چند صفحه کتاب مزین به کاغذ گلاسه چندصد هزارتومان نبود، شاید اگر شرایطی بود که کتاب به بهایی مناسب تر در اختیار شهروندان قرار می گرفت و شاید اگر روی قیمت قبلی کتاب شاهد چسباندن برچسبی تحت عنوان افزایش بها نبودیم؛ همین افراد ناکتابخوان یا کم کتابخوان با دیدن بهای مناسب کتاب ترغیب به خرید و چه بسا حتی ترغیب به خواندن اثر می شدند.